

## کانون وکلای دادگستری و مرکز مشاوران قوه قضائیه در مرحله ادغام

# وکلادر دوراهی ادغام و الحاق



**شهرود حقوقی |** داستان ادغام کانون‌های وکلای دادگستری با وکلای مرکز مشاوران قوه قضائیه سر دراز دارد و این روزها خبر از تصویب مصوبه‌ای است که نشان از رضایت کانون وکلای دادگستری با این ادغام دارد. مصوبه‌ای که با نظرات موافق و مخالف بسیاری همراه بوده و برخی از وکلای معتقدند کانون اختیار قانونی چنین تصمیمی را نداشته است و برخی دیگر هم معتقدند با این تصمیم گرچه کور فعالیت موازی دو نهاد وکالت بالاخره باز خواهد شد.

از زمان آغاز به فعالیت مرکز مشاوران قوه قضائیه بیم از بین رفتن استقلال وکلا مطرح شد و موج انتقادات به فعالیت وکلایر نظر دستگاه قضا کار را به جایی رساند تا در چند لایحه‌ای که برای اصلاح قانون وکالت در مراحل مختلف از سوی قوه قضائیه، دولت و مجلس تدوین شد، موضوع ادغام و ادامه فعالیت فقط یک نهاد وکالت در کشور مورد توجه قرار گیرد. بار دلمی لایحه در کمیسیون قضائی مجلس و منتفی شدن قانون گذاری جدید، قرار بر اصلاح موردی قوانین پیشین وکالت شد. اما بحث ادغام همچنان بلا تکلیف ماند. از سویی مرکز مشاوران قوه قضائیه زیر نظر دستگاه قضایه کار خود ادامه می دهد و جذب وکیل جدید خط قرمز کانون‌های وکلای دادگستری در رابطه با این مرکز است. زیرا معتقدند ادامه فعالیت دو نهاد وکالت موازی در کشور خلاف عرف بین المللی فعالیت نهادهای وکالتی است. زیرا در سایر کشورهای دنیا فقط یک نهاد وکالت مشغول به فعالیت است و این دوگانگی می تواند به اعتبار کانون وکلای دادگستری در دنیا لطمه وارد کند.

نعمت احمدی، وکیل دادگستری در این زمینه معتقد است که ادغام کانون وکلا و مرکز مشاوران خیانت در امانت است. این امر موجب می شود افرادی

در جامعه وکالت باشند که از سد کنکور گذشته و پس از رسیدن به آن متوجه شوند، هیچ خبری در آن نیست. لایحه جامع وکالت قصد دارد کانون وکلا و مرکز مشاوران را یکی کند. این امر خیانت در امانت است. مطابق نظر این حقوقدان با توجه به این که نزدیک به ۴۰ سال است هزینه‌های صندوق تعاونی وکلا را پرداخت می کنند و پول‌های کسانی چون او در این صندوق جمع شده است، چرا دیگران در این موجودی شریک نشوند، به چه ادنی چنین دست دراز می و خیانت در امانتی صورت می گیرد؟

از سویی دیگر به گفته وزیر دادگستری مرکز مشاوران قوه قضائیه در سال جدید کار آموز وکالت جذب خواهد کرد. مصطفی پور محمدی در گفت و گو با ایلنا در پاسخ به این پرسش که آیا اسامال مرکز مشاوران قوه قضائیه اقدام به جذب وکیل خواهد کرد، گفته است: هم برای کانون وکلا و هم ماده ۱۸۷ جذب داریم. وزیر دادگستری توضیح داده است: البته در لایحه وکالت گفته شده است که باید آزمون‌ها یکپارچه باشد. قطعا جذب وکیل را در کانون وکلا و مرکز مشاوران قوه قضائیه داریم. زیرا تعدادی از دانشجو می شوند و نیاز جامعه به وکالت هم بالا می رود. بحث اساسی در لایحه وکالت، یکپارچه کردن این دو نهاد حقوقی است که دنبال آن هستیم. لازم به توضیح است که مرکز مشاوران قوه قضائیه آخرین بار در سال ۱۳۹۰ اقدام به برگزاری آزمون جذب کار آموز کرده است و از سوی دیگر لایحه وکالت هنوز مراحل ابتدایی رسیدگی رami گذراند و تا اجرایی شدن فاصله زیادی دارد.

اکنون با توجه به موافقان و مخالفان ادغام و نبود قانونی که مصوب مجلس شورای اسلامی باشد، این سوال مطرح است که آینده تصمیم بر ادغام دو نهاد وکالت چه خواهد شد؟

### کانون وکلا صلاحیت اظهار نظر برای وکلای قوه قضائیه را ندارد



فرزام اردلان

استاد دانشگاه و وکیل دادگستری

برنامه سوم توسعه در سال‌های ۸۰ و ۸۱ در ماده ۱۸۷ در مجلس تصویب شد که بر اساس فلسفه اصلی اشتغال زایی باشد. تعدادی از جوانان ما وارد شغل وکالت و حرفه وکالت شوند و از همه مهمتر اهدافی مدنظر طرح ماده ۱۸۷ است. دومین مطلب شکستن انحصاری است که کانون وکلا سال‌ها در این خصوص ایجاد کرده است. به همین جهت ماده ۱۸۷ به وجود آمد و در ۱۵ سال فعالیت توانستیم خدمات شایسته‌ای در جامعه داشته باشیم، هر چند وکلای کانون هم چنین خدماتی دارند، ولی در خصوص مرکز وکلای قوه قضائیه که بحث اصلی ما هست، این مرکز توانست در ایجاد ارتباط با مردم، کاهش هزینه‌های وکالت و بسیاری از موارد، خدمات زیادی داشته باشد. به عبارتی علاوه بر این خدمات شایسته که داشته، به لحاظ کمی هم توانسته در جامعه حقوقی ما در طول مدتی که آزمون برگزار کرده است، تعداد زیادی از جوانان را وارد حرفه وکالت کند و خدمات ارزنده‌ای را به جامعه بدهد. هر چند به لحاظ کیفی نیاز به زمان دارد. ولی متأسفانه کانون وکلا در طرف مقابل با داشتن انحصارات زیاد و ممانعت کردن از ورود فارغ التحصیلان به حرفه وکالت به خودش اجازه داده که در این موضوع هم اظهار نظر کند که کاملاً هیچ اجازه قانونی در این خصوص نداشته و هیچ صلاحیتی در این خصوص ندارد که رایج به وکلای قوه قضائیه اظهار نظر کند.

به نظر می رسد ما باید منافع شخصی خود را در بحث

قوه قضائیه و کانون ادغام می شود و به شرح زیر تشریفات، برنامه‌ها، مدیریتهای و کارهای اینها تمام خواهد شد. با توجه به این صحبت‌ها می بینیم که قانونگذار به صراحت درباره خودش بخشنامه کرده که اجازه هیچ فعالیتی با وکلای قوه قضائیه ندارد و به همین دلیل قابل توجه است که چرا این کار را کرده است. به نظر من با این کار می خواهد دستش را برای نمایندگان قوه قضائیه باز کند، یعنی ما زیر بار الحاق می رویم و باید الحاق انجام شود، اگر قرار باشد که نمایندگان دولت و ملت و قوه مقننه اختیارشان را به دست یک صنف دهند، این مصلحت نیست.

در شرایطی که هیأت مدیره کانون وکلا احساس ضعف کرده از این که رئیس قوه قضائیه مجدداً به تشکیلات وکلای ۱۸۷ اجازه داده که آزمون برگزار کند، این یک نوع مبارزه به صورت سنازده است برای این که بتواند موانعی ایجاد کند که این آزمون برگزار نشود. این اقدامات تصمیم گیری صحیحی نبوده و نمی تواند برای یک صنف زبینه باشد که این مسائل را برای پیشبرد اهدافش به کار برد، زیرا ما همه زیر نظر قانون اساسی و قوانین عادی که بر ما حاکم هستند، موظف به اجرای مقررات خواهیم بود و نمی توانیم برای قوه مقننه و سایر قوا تعیین تکلیف کنیم و این موضوعی است که به نظر می رسد و هم امکان در کانون وکلا هر چند قابل احترام بعید بود که با شناختی چنین کاری انجام دهند و روی آینده وکالت تأثیر منفی داشته باشند.

کالت و حقوق شهروندی و خدمات دیگر که برای جامعه می توانیم داشته باشیم، کنار بگذاریم و منافع عموم جمعیت را در نظر بگیریم. به گمانم مسواری را که در حال حاضر در کانون می بینیم دارای منافاتی در صحت‌ها و مصوباتشان است که مصلحت عمومی در آن فراموش می شود. ولی در کل رایج به این که بحث ادغام و الحاق می تواند چه نتیجه‌ای داشته باشد، به لحاظ مفهومی اگر بخواهیم رایج به ادغام صحبت کنیم، اخیراً حرکت بسیار عجیبی از طرف کمیسیون قضائی مجلس صورت گرفت که طرح جامع وکالت که سال‌ها روی آن کار شد، با ورود و شروع دوره جدید مجلس به راحتی از دستور کار خارج شد و موجب تشدیدی و پایکباری از بین رفت و ما مشکلات بسیار زیادی داشت. من در همان زمان مقاله‌ای نوشتم در این مورد که جشن ادامه ندارد و ما باید حتماً قانون جامع رایج به وکلا در ایران داشته باشیم تا قوانینی که مسکوت هستند، کنار روند و تکلیف آنها مشخص شود. ما مشکلات بسیار زیادی در رابطه با قانون وکالت داریم. متأسفانه با این کار بدون هیچ برنامه‌ریزی سال‌ها زحمت و تلاشی که کارشناسان داشتند و جلسات بسیار زیادی بین وکلای قوه قضائیه و کانون بود، به یکباره از بین رفت و ما مشکلات بسیار زیادی از این طریق حداقل مشکل تخلفات انتظامی و نبود قوانینی که در دادرسی کاملاً مشهود بود، رفع شود. اما متأسفانه یکباره این زحمات از بین رفت. در همین قانون طرح جامع در ماده ۲ صراحتاً پیش بینی شده که مرکز وکلای

### استقلال کانون وکلای دادگستری را نمی توان گرفت



عباس تدین

حقوقدان و

وکیل پایه یک دادگستری

وکلای دادگستری قرار گرفت، با توجه به این که قانون استقلال کانون وکلای انحصارا جذب وکلا را از طریق کانون وکلای دادگستری که نهاد مستقلی بود، پیش بینی کرده بود. در واقع قانون استقلال کانون وکلا به نحوی نگاشته شده است که این برداشت از سوی کانون وکلا مطرح می شد که جذب هر نیرویی تحت عنوان وکیل فقط از طریق کانون وکلا امکان پذیر است. اما بهر حال کسانی که متولی برنامه سوم بودند و کانون مشاوران و وکلای ۱۸۷ را تصویب کردند، به این اعتقاد نداشتند که قانون استقلال کانون وکلا به منظور تنها مرجع مجوز وکالت است و برنامه سوم توسعه این اجازه را می دهد. بنابراین از سال ۱۳۷۹ هر ساله اقدام به جذب نیروهایی به عنوان وکیل کردند. این مشکل ایجاد شده بود که از یک طرف کانون وکلای دادگستری خود را منحصر امتولی این امر می دانست و وکلای ۱۸۷ را به رسمیت نمی شناخت و کار تا جایی پیش رفت که همکاری وکلای پایه یک دادگستری کانون وکلا

بحث موضوع وکلای ماده ۱۸۷ برمی گردد به قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی که مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ است. در واقع از این سال ماده‌ای در برنامه سوم توسعه گنجانده شد که بر اساس آن اجازه می داد قوه قضائیه به استناد اصول ۱۵۶ و ۳۵ قانون اساسی بتواند رأساً اقدام به جذب مشاوران حقوقی بکند. بر اساس این پیش بینی که در آیین نامه آن نوشته شد، مرکزی به نام مرکز مشاوران و وکلای قوه قضائیه که معروف به وکلای ۱۸۷ هستند، تأسیس شد، در واقع بر اساس این موضوع قوه قضائیه رأساً اقدام به جذب نیروهایی کرد که حقوق خوانده بودند و به آنها پروانه وکالت داد و به آنها این اجازه را داد که در محاکم دادگستری به وکالت بپردازند. به طبع این موضوع مورد اعتراض کانون

عمل این گونه نیست و حرفه وکالت مانند قضاوت نیاز به طی کردن مراحل دارد. کسی می تواند وکیل خبره‌ای شود که در کارش موفقیت لازم را داشته باشد و دوره‌های لازم را ببیند و قرار نیست هر کس که پروانه وکالت گرفت به صرف داشتن پروانه وکالت همان طور که نمی تواند قاضی باشد، وکیل شود.

کما این که شاید در راستای زیر سوال بردن استقلال کانون وکلای این طرح هم مطرح شد که کسانی که تنها لیسانس حقوق دارند بدون انجام آزمون وکیل شوند. اما به نظر می آید این گونه قانون‌ها مانند برنامه سوم توسعه در چارچوب تضعیف استقلال کانون وکلا هستند. نهادی که حدود ۱۰۰ سال این استقلال را دارد، به راحتی در هیچ جای دنیا استقلالش را نمی گیرند. بهر حال به نظر می آید وکیل باید خارچ از قوه قضائیه انتخاب شود تا احیاناً از فشارهای خارجی که ممکن است در برخی پرونده‌ها به این دسته از وکلا وارد شود، جلوگیری به عمل آید. بنابراین

طرح وکلای ۱۸۷، طرح عجولانه‌ای بود و امکان این وجود داشت که با کانون را زینتی‌هایی انجام شود تا کانون وکلا جذب وکیل و ظرفیت را افزایش و آموزش‌ها را سریع تر انجام دهد، در آن صورت اگر تعداد وکلا هم کم بود هر چند اکنون البته بازار وکلا کاملاً اشباع شده است - در آن زمان می شد طرح‌های جایگزین را ارائه داد.

به هر صورت عده‌ای تحت عنوان ۱۸۷ پروانه وکالت گرفتند و حقوق مستکبه‌ای دارند و نمی توان این حقوق را از آنها سلب کرد، بنابراین می توان گفت ادغام وکلای طرح ۱۸۷ به عنوان وکیل پایه دو یا طرح یک در زیر مجموعه کانون وکلا طرح خوبی است، به شرطی که متولی استخدام جذب نیرو از طرف خود کانون وکلا باشد تا در آموزش وکلا و نحوه برخورد با تخلفات آنها و در نحوه اجرایی کردن برنامه‌های آموزشی یک رویه واحد وجود داشته باشد. گاهی اختلاف رویکرد و عملکرد در جذب وکلا و نحوه برخورد با آنها در ماده ۱۸۷ با کانون وکلا متفاوت است.

### پرسش و پاسخ حقوقی

استطاعت منفق « با بررسی ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی این مهم نمایان می شود که در عقد دایم، هرگاه زن نسبت به عدم ایفای تعهدات عام و خاص زنانه‌سویی (که در اصطلاح حقوقی به آن تمکین می گویند) بدون دلیل موجه اقدام مستحق دریافت نفقه نبوده و تأمین و پرداخت نفقه که از جمله وظایف خاص زوج است، از دوش او برداشته می شود. چنانچه امتناع از انجام وظایف زنانه‌سویی به واسطه مانع مشروع (مثل بیماری) باشد، زوج در این ایام مستحق دریافت نفقه خواهد بود.

او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه به حبس محکوم می کند». ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی در تعریف نفقه زن اشعار می دارد، «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض». همچنین ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی در تعریف نفقه اقارب آورده است، نفقه اقارب عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه

ترک تمکین و ترک انفاق چه تفاوتی باهم دارند و کاربرد آن کیجاست؟ اگر تمکین از جرایم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی در ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی جرم انگاری شده و مجازاتی از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس برای آن در نظر گرفته شده است. حسب مقررات این ماده: «هرکس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع کند، دادگاه

دادخواست مطالبه وجه تقدیم دادگاه می کند و یکی از خواندگان مدعی است که از صدور چک اطلاع نداشته و امضا نکرده است. آیا مسئولیتی جهت پرداخت دارد یاخیر؟ شخصی که چک را امضا نکرده، نه مسئولیت جزایی دارد و نه مسئولیت کیفری و شخصی که چک را به تنهایی صادر کرده، مسئول پرداخت وجه آن خواهد بود و دادگاه وی را به پرداخت وجه چک محکوم خواهد کرد.

روزنامه شهرود با هدف بالابردن دانش حقوقی خوانندگان در ستون «پدانییم» سوالات و پاسخ‌های متداول حقوقی و قضائی شهروندان را منتشر می کند.

چکی با دو امضا قابل پرداخت است، ولی با یک امضا تحویل شخص می گردد، پس از مراجعه به بانک به علت عدم موجودی و نداشتن امضای دوم برگشت خورده و گواهی عدم پرداخت صادر می شود. دارنده چک